



در خواست اعتصاب عمومی در اسرائیل

یائیر گولان، رهبر حزب دموکرات اسرائیل گفت: «کابینه می خواهد غزه را اشغال کند علی‌رغم اینکه این اقدام اموال زیادی را هدر می دهد و منجر به خونریزی های زیاد خواهد شد و ما باید تا زمان اعلام انتخابات مبارزات را گسترش دهیم». وی همچنین خواستار اعتصاب عمومی شد، پس از اعلام تصمیم بنیامین نتانیاهو برای اشغال کامل غزه و گسترش جنگ، موج گسترده از خشم و اعتراض در سرزمین های اشغالی ایجاد شده است و ناراضیانی شدیدی نسبت به این تصمیم شکل گرفته است. ایال هولتا، رئیس پیشین شورای امنیت داخلی اسرائیل در اظهاراتی گفت: «مطمئن نیستم که بتوانیم حماس را مجبور به تسلیم شدن کنیم و آنچه در غزه منتظر ما است، دست و پا زدن طولانی مدت است.»وی تأکید کرد که حمله گسترده به غزه فرصت بازگرداندن آسرا به طور زنده را از بین می برد. در این راستا، تلویزیون اسرائیل گزارش داد، ارتش نگران این است که حمله به غزه بهای زیادی به همراه داشته باشد و منجر به کشته شدن ده ها نظامی و آسیب زدن به آسرا شود.



خطای بزرگ دولت لبنان

حزب الله لبنان در واکنش به تصمیم دولت نواف سلام در خصوص خلع سلاح این گروه اعلام کرد که دولت لبنان مرتکب «خطایی بزرگ» شده است؛ زیرا تصمیمی اتخاذ کرده که لبنان را از سلاح مقاومت در برابر دشمن اسرائیلی محروم می سازد. این اقدام موجب تضعیف توان و جایگاه لبنان در برابر ادامه تجاوزات اسرائیل و آمریکا می شود و برای اسرائیل دستاوردی به همراه دارد که حتی در جنگ علیه لبنان نیز نتوانسته بوده به آن برسد. جنگی که حزب الله در آن با بنبرد «اولی الباس» اسرائیل را وادار به توافقی کرد که توقف تجاوز و عقب نشینی از لبنان را الزام آور کرد. در بیانیه حزب الله آمده است که این تصمیم حاصل «دیکته های فرستاده آمریکایی» است و در دلایل طرح آن در نشست هیئت دولت به وضوح به این موضوع اشاره شده است. حزب الله تأکید کرد که این اقدام دولت «کاملاً در خدمت منافع اسرائیل» است و موجب می شود لبنان «در برابر دشمن بدون هیچ ابزار بازدارندگی و کاملاً در معرض آسیب» قرار گیرد.



ونس محتمل ترین جانشین ترامپ

ترامپ احتمال داد که معاونش جی دی ونس و وزیر خارجه مارکو روبیو در قالب یک تیم انتخاباتی جمهوری خواه وارد رقابت های ریاست جمهوری آینده آمریکا شوند. رئیس جمهور آمریکا دونالد ترامپ در یک نشست خبری در واشنگتن دی سی اعلام کرد که معاونش جی دی ونس به احتمال زیاد گزینه جانشینی او و نامزد حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۸ است. او در پاسخ به پرسش یک خبرنگار درباره اینکه آیا میدان را برای سناتور پیشین اوهاйо خالی خواهد کرد و از او به عنوان «وارث جنبش ماگا» (آمریکا را دوباره با عظمت کنیم) حمایت خواهد کرد؟ گفت «فکر می کنم به احتمال زیاد، انصافاً همین طور است. او معاون رئیس جمهور است. کارش را خیلی خوب انجام می دهد و احتمالاً در حال حاضر گزینه برتر است». او در گفت وگویی که صبح همان روز با شبکه سی ان بی سی داشت، درباره احتمال شرکت دوباره در انتخابات، این موضوع را رد کرد؛ گرچه پیش تر در این خصوص توضیحاتی اظهاراتی مطرح کرده بود.

بحران رکود اقتصادی که در آن هیچ کدام از ثروتمندانی که آن را ایجاد کردند، هیچ هزینه ای متحمل نشدند و فقط مردم عادی بودند که به ستوه آمدند.

سپس ترامپ می آید و می گوید اتفاقات بسیاری پشت پرده رخ می دهند. او می گوید به من اعتماد کنید. من می دانم. من دیده ام. می دانم سیاستمداران چه مدلی هستند. اینها به این کشور خیانت کرده اند و با قوانین متفاوتی بازی می کنند. آنها هیچ وقت به در دسر نمی افتند. من گوینده حقیقت هستم. من پرده از این حقیقت بر می دارم و شما می توانید به من اعتماد کنید. پس با من همراه شوید. از اینجا به بعد هر اتفاق بدی که برای ترامپ می افتد، هر رسوایی، هرگونه تلاشی از طبقه خودی های واشنگتن برای سرکوب او در این جهان بینی می گنجد که تشکیلات حاکم می خواهد او را سرکوب کند و این حقایق تلخ را درباره هر آنچه واقعاً اتفاق می افتد، بازگو می کند. این چارچوب ذهنی جنبش ماگا بود. درباره پرونده اپستین که مهم و فراگیر است همچنان سوال های بسیاری وجود دارد. بنابراین ماجرای اپستین با این مضامین همخوانی دارد چون در اصل مردم بر این باورند که ثروتمندان از مجازات کارهای وحشتناک خود قسر در می روند. این موضوع دقیقاً همان چیزی است که ترامپ قول داده بود تا برای مبارزه «ما در مقابل آنها» وارد کاخ سفید شود. اما در مورد اپستین به نظر می رسد که ترامپ طرف الیت را گرفته و جهان بینی ماگا به مرحله فروپاشی نزدیک است.

سوال اینجاست که آیا فقط این اینفلوئنسرهای ماگا هستند که بر خواسته خود پافشاری می کنند یا مسئله فرآگیرتر از آن است؟ مک ریش می گوید این سوالی است که ما خبرنگارانی که واشنگتن را پوشش می دهیم تمام مدت از خود می پرسیم؛ اینکه داستان هایی که ما روی آنها متمرکز می شویم واقعاً طنین انداز می شوند؟ مک ریش معتقد است که در مورد اپستین واقعاً موضوع همین است. مک ریش از خانواده ای از طبقه متوسط از شهری در پنسیلوانیاست و دوستانی دارد که به ترامپ رای داده اند که در این مدت انزجار خود را از ماجرای اپستین و واکنش های ترامپ مطرح کرده اند. مک ریش می گوید افرادی را می شناسد که عضو باشگاه مارالاگو، اقامتگاه و باشگاه گلف ترامپ هستند؛ افرادی ثروتمند که آنها هم درباره این موضوع ابراز تأسف کرده اند.

ترامپ برای به دست گرفتن کنترل روایت اپستین شانس تازه ای پیدا کرد. زمانی که وال استریت ژورنال گزارشی درباره دفترهای برای تبریک تولد اپستین در سال ۲۰۰۳ منتشر کرد که ترامپ هم در آن، تولد او را تبریک می گوید و می نویسد که امیدوار است هر روز یک راز فوق العاده دیگری باشد، رئیس جمهور آمریکا توانست جایگاه خود در این جنگ را پیدا کند. سلاح او این ادعا بود که این گزارش جعلی است و حملات همیشگی خود به رسانه ها را آغاز کرد. او حتی از روپرت مرداک مالک وال استریت ژورنال و دوست خود شکایت کرد و حالا در وضعیت حمله قرار گرفته است و به گفته مک ریش ترامپ همیشه در حالت حمله برای حامیانش آدم خوبی می شود. اما شاید این بار در مورد اپستین جواب دهد. معلوم نیست که ترامپ چگونه می تواند از این بحران بیرون آید. همچنان صحبت از تئوری های توطئه است که در عین حال به جرایم واقعی مربوط می شوند. مک ریش می گوید دلیلی وجود دارد که این پرونده توجه عموم را به خود جلب کرده. این موضوع فراتر از سیاست است، همه آن را دنبال می کنند. در عین حال، ترامپ همیشه راهی را برای حفظ حامیان خود پیدا می کند، به گفته مک ریش، ترامپ استاد خلق واقعیت های خودش مطابق با نیازهایش است. همیشه زمانی که ترامپ سنگر می گیرد، زیرکانه تر عمل می کند. هم اکنون هم سنگر گرفته اما با این حال موضوع اپستین هنوز حل نشده است.

استنباط واضح، هرچقدر هم که استنباط باشد، این بود که ترامپ و جمهوری خواهان آنقدر از آنچه در اسناد اپستین وجود دارد نگرانی دارند که ترجیح می دادند با واکنش شدید پایگاه ماگا رویه روشنند، ترسو و ضعیف به نظر برسند تا اینکه این اسناد را منتشر کنند. حالا کاهش محبوبیت ترامپ و سکوت او درباره اپستین یک سوال را مطرح می کند: آیا ماجرای اپستین خدشهای به رئیس جمهور آمریکا وارد می کند؟ آیا پایگاهش بالاخره از او روی برمی گرداند؟

اگر تاریخ گواه باشد، این احتمال بسیار کم است. ترامپ به طور فوق العاده ای مقاوم است. او از بحران هایی این چنینی برای تقویت قدرتش استفاده می کند. او وفاداری را دستور می دهد و آن را از پم باندی، مایک جانسون و افراد دیگری در دولت فدرال خود که به طور فزاینده ای ایدئولوژیک است دریافت می کند. حالا پشت کردن پایگاه غرق در توطئه اش به او، دیگر مسئله پذیرش اشتباه نیست بلکه یکی از هویت های اصلی آن است.

از نگاه بیرونی تلاش های ترامپ برای پرت کردن افکار عمومی از ماجرای اپستین و پروژاندن تئوری های توطئه موجود پیرامون باراک اوباما و هیلاری کلینتون ممکن است ضعیف به نظر برسد اما او همچنان بر اتهاماتی مانند «خیانت» آنها دامن می زند. تلسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی ترامپ تا جایی پیش رفت که گفت اوباما سال ها مشغول راه اندازی کودتایی علیه ترامپ بود. در آیین شخصیتی یک رهبر اقتدارگرا، توطئه به راحتی به سلاحی علیه دشمنان و واقعی به نظر می رسد. در فضای ملت به سیاسی آمریکا این تئوری های توطئه به شاهرک اصلی برتری سفیدپوستان و انتقام جویی نژادپرستانه تبدیل می شود که حتی پیش از پیدایش آمریکا سیاست های آمریکا را شکل داده است.



واکنش ماگا

شان مک ریش خبرنگار نیویورک تایمز می گوید در این ۱۰ سال یکی از چیزهای جذابی که دیدیم ارتباط دونالد ترامپ با پایگاه حامیانش است: «او با افرادی که بیشترین وفاداری را دارند، دچار اختلاف شده و نمی دانیم به کجا ختم می شود.» او درباره تاثیر پرونده اپستین بر روابط ترامپ با حامیانش می گوید: «این یک مطالعه موردی جذاب و نفیس در شیوه ارتباط ترامپ با پایگاهش است» که شامل آسیب پذیری های سیاسی، دستورالعملی که به وقت در دسر اجرا می کند و کژفهمی و سوءمدیریت کاخ سفید از نادیده گرفتن هشدارها با پایگاه مردمی اش است.

این سیکل زمانی شروع شد که وزارت دادگستری یک یادداشت توصیفه ای را منتشر کرد و اساساً پرونده تحقیقات اپستین را بست و به همه گفت زمان آن رسیده که از این موضوع بگذریم. ناراضیانی ها خیلی زود بالا گرفت. این بار نه از سوی منتقدان همیشگی بلکه از افرادی مانند چارلی کرک، فعال سیاسی، نویسنده و شخصیت رسانه ای. یا مگان کلی، روزنامه نگار و شخصیت رسانه ای. یا حتی تاکر کارلسون. ناگهان تمام جهان پادکسترها یک صدایک درخواست داشتند که خلاف خواسته کاخ سفید بود. سپس ترامپ شرایط را بدتر کرد و زمانی که تصمیم گرفت درباره اپستین صحبت کند لحن تحقیرآمیز و متکبرانهای را به کار گرفت. ترامپ گفت: «همه اینها یک فریب بزرگ است. این کار از سوی دموکرات ها و برخی از جمهوری خواهان احمق است و جمهوری خواهان نادان در دام آن افتادند.»

افرادی که ترامپ آنها را احمق خطاب می کند، کسانی هستند که معمولاً درباره هر موضوعی نظر می دهند و راهی را برای راضی کردن خود پیدا می کنند و ترامپ را هیچ وقت مقصر هیچ خطایی نمی دانند. اما این بار قبول دارند که این موضوع تفاوت خاصی دارد. رفتار غیرقابل توضیح ترامپ پیرامون این موضوع کل جهان بینی حامیان ماگا را در هم شکسته است. به گفته مک ریش برای درک این موضوع باید به دوران آغاز ظهور ترامپ به عنوان یک پدیده سیاسی برگردیم. او در برهه ای به قدرت می رسد که بی اعتمادی، بدبینی و حتی پوچ گرایی مطلق در آمریکا موج می زد؛ اتفاقی که پس از دو جنگ شکست خورده، که یکی از آنها بر اساس اطلاعات نادرست بود (حمله به عراق)،

مالی این دو نفر خیلی ها را مشکوک کرده بود. با اینکه اطلاعاتی در مورد اینکه افراد بسیار پولدار چه دستمزدی به مشاوران مالی پرداخت می کنند، وجود ندارد اما در این مورد می توان گفت که افسراد پولدار و قدرتمند بسیار کمی علناً به جرایم جنسی متهم شده اند و در سلول زندان خود را حلق آویز کرده باشند.

حتی در مورد مرگ اپستین خیلی ها هنوز آن را خودکشی نمی دانند. او یکی دو هفته پس از بازداشت دوم در سال ۲۰۱۹ در زندان متروپولیتن ملافه تخت خود را پاره می کند با آن خود را به دار می آویزد، زمانی که پیدا شد زنده بود ولی در کما.

از آن زمان اپستین تحت نظر قرار داشت. قرار بود هم سلولی دیگری به سلولش اضافه شود و نگهبان ها هم تمام مدت او را تحت نظر داشته باشند. اما در عوض یکی از شب های ماه اوت او در سلول تنها ماند و نگهبان ها تصمیم گرفتند مدتی به او سر زنند و زمانی او را پیدا کنند که خود را با ملافه حلق آویز کرده اما این بار زنده نمانده است. این موضوع دومی بود که بر تئوری های توطئه بیشتری دامن زد و سوال های بیشتری ایجاد کرد که این اتفاق چگونه رخ داد. بالاخره او حافظ رمز و راز بسیاری از افراد قدرتمند بود که جسدش در سلول پیدا شد؛ جایی که قرار بود تحت نظارت باشد. هنوز هیچ تصویر ویدئویی از آنچه در سلول یا محیط اطراف آن اتفاق افتاده منتشر نشده است.

نیویورک تایمز سال ها برای جمع آوری جزئیات پرونده اپستین تحقیق کرده و در نهایت برای دسترسی به این جزئیات به دادگاه رفته تا سازمان زندان ها آنها را در اختیار خبرنگاران این روزنامه قرار دهد.

در واقع از همان زمانی که اپستین در اواسط سال های ۲۰۰۰ دستگیر شد دولت فدرال با چنگ و دندان تلاش کرده تا اطلاعات مربوط به اپستین را مخفی نگه دارد. کماینکه اپستین و بسیاری از هم دستانش هم همین کار را کرده اند. واقعیت این است که ممکن است توضیحات منطقی برای بسیاری از ابهامات وجود داشته باشد و مشخص نیست که هیچ وقت شواهدی که بتوانند به ابهامات پاسخ دهند منتشر نشوند اما در این میان تئوری های توطئه شدت بیشتری به خود خواهند گرفت.

افشاگری ها درباره جفری اپستین که به تجارت دختران زیر سن قانونی متهم است و همچنین شیوه ای که بای طبقه الیت نیویورک در این ماجرا باز شده، ظاهراً بخش هایی از نظریه نهایی را تایید می کند؛ در واقع بر این باور دامن می زند که طبقه الیت آمریکا بر اساس قوانین خود عمل می کند؛ فراتر از قانون و مصون از پاسخگویی